

بسمه تعالی

حضور کودک معلول در خانواده - قسمت دوم

نقش مشاوره و راهنمایی

دکتر محمد کمالی

در قسمت اول از شوک ناشی از حضور کودک معلول در خانواده برای والدین، سخن گفتیم و بیان کردیم که برای انجام برنامه توانبخشی و درمان مناسب و به موقع برای کودک، لازم است تا فاصله زمانی بین این شوک و در مرحله پذیرش کودک توسط والدین را کوتاه نمائیم. در این فاصله زمانی، سؤالات متعددی برای خانواده مطرح می شود مانند: علت معلولیت چه بوده است؟ آیا ازدواج فامیلی باعث آن بوده است؟ شدت معلولیت او چقدر است؟ آیا او روزی طبیعی خواهد شد؟ آیا معلولیت او قابل درمان است؟ آیا او می تواند با ما زندگی کند؟ چگونه این موضوع را به خویشان و آشنایان در میان بگذاریم؟ آیا صحیح است فرزند دیگری داشته باشیم؟ دیگرانی که چنین فرزندانی دارند چه کرده اند؟

همه این سؤالات و پرسش های دیگری که ممکن است به ذهن والدین خطور کند، بی پاسخ خواهند ماند چنانچه والدین نتوانند به راهنمایی و مشاوره لازم دست یابند. اغلب حالت انکار معلولیت در بین والدین و استناد به این جمله معروف که "مشکل مهمی نیست، کمی صبر کنید بزرگتر که شود مشکل رفع خواهد شد" دامن گیر والدین شده و مانع از پیگیری موضوع در زمان مناسب و طلایی می شود. البته کتمان نمی کنم که گاهی نیز کادر پزشکی و پیراپزشکی نتوانسته اند به وظیفه خود که ارائه یک مشاوره خوب و راهنمایی به موقع باشد، عمل کنند. بنابراین آنچه در این برهه حائز اهمیت است مشاوره و راهنمایی برای والدین است که از سوی پزشکان، کادر مددکاری اجتماعی و متخصصان توانبخشی محورهای مهمی که مشاوره باید به خانواده دارای فرزند معلول ارائه شود تا زمینه پذیرش کودک برای آنان فراهم آید، در ادامه مورد بررسی قرار می دهیم که مهمترین آنها لزوم تفکر عاقلانه در مورد کودک از سوی والدین است. این موضوع باید با صراحت به خانواده تفهیم شود که کودک علیرغم انتظار شما برای داشتن فرزندی سالم، باهوش و مستعد دارای ناتوانی هایی است که باید با شناخت دقیق از میزان و نوع ناتوانی، به درک صحیحی از ناتوانی های باقیمانده در آنها برسیم، تا قادر باشند ضمن تحمل نقایص و کمبودها از توانمندیهای باقیمانده او شادمان باشند تا از آنها به عنوان عنصری اصلی برای ادامه حرکت به سوی دستیابی به زندگی عادی تر استفاده نمایند. در همین زمان است که مشاور باید والدین را راهنمایی کند تا رفتاری مناسب و آگاهانه با کودک داشته باشند. در این گونه موارد پدر خانواده گاهی حتی حاضر به دیدن فرزند نیست، دیر آمدن شبها به خانه و یا زمانی که کودک در خواب است و عدم برقراری

ارتباط با او، نشاندهنده آن است که نه تنها رفتار مناسبی برای رشد و تکامل کودک انجام نگرفته است بلکه به بهداشت روانی خود و همسرش نیز ضربه می زند.

گاه خانواده از بیان ناتوانی یا معلولیت کودک احساس شرم و خجالت داشته و کودک را مخفی می کند تا دیگران به وجود او پی نبرند، اما تا چه هنگامی قادر به انجام این کار است؟ خانواده و مشاور باید در یک تعامل صحیح به این نتیجه برسند که راه حل اصلی آن است که به جای حبس و مخفی کردن کودک باید با کمال شهامت معلولیت کودک را ابراز کرد و از خویشان و دوستان بخواهند که او را همانند یک انسان بپذیرند، او را درک کنند و دست از نگاههای خاص به او بردارند. والدین باید فضایی صمیمی در خانه ایجاد نمایند تا هر گونه تصمیم گیری در مورد کودک با شناخت و صبر صورت پذیرد. دسترس خانواده به منابع اطلاعاتی و نیز مراکز و متخصصان مربوطه کمک شایانی به این شناخت می نماید و مشاور نقش مهمی در دسترسی خانواده به اطلاعات خواهد داشت. مشاوره باید با هر دو نفر - مادر و پدر - صورت پذیرد. تجربه نشان داده است که فراموش کردن صحبت با پدر خانواده، اغلب باعث عدم انسجام والدین برای پیگیری برنامه های درمانی و توانبخشی بوده است و در بسیاری موارد پدر هیچ گونه نقشی در این برنامه ها به عهده نمی گیرد که طبعاً تأثیرات منفی به دنبال داشته است.

به هر حال برخورد صادقانه، دقیق ولی نه فنی و علمی مشاور در این مرحله برای خانواده راه گشا و مؤثر خواهد بود به شرط آنکه انتظار نداشته باشیم خانواده به سرعت قادر به انجام همه اموری باشد که ما تشخیص می دهیم. در مورد انتظار از خانواده در قسمت سوم صحبت خواهیم کرد.